

**Assessing the relationship between Islamic religiosity and students' political participation**

**Case study: Students of Iranshahr University**

**Abstract**

**Objective:** This study was conducted to determine the relationship between Islamic religiosity and political participation in the presidential elections (1400) of the Islamic Republic of Iran among students of Iranshahr University. **Methodology:** The research was conducted by analytical survey method and its statistical population includes all students of Iranshahr University in the academic year 1401-1400 in the number of 3000 people. According to Morgan's table, 341 students were selected as the sample who answered the questionnaires. The questionnaires used in the research were researcher-made religiosity questionnaire and researcher-made political participation questionnaire. **Findings:** The results showed that Islamic religiosity has a direct, positive and strong relationship with political participation; In other words, the higher a person's religiosity, the higher his political participation. **Conclusion:** According to the research findings on the significant relationship between religiosity and political participation, the use of this strong potential, ie religion to increase political participation, is a factor that should be considered by universities.

**Keywords:** Islamic religiosity; Political participation; University students; iranshahr

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،  
سال پنجم، شماره ۵، دی ۱۴۰۱، صص ۵۴۹-۵۳۹  
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.328449.3066>

سنجش رابطه دینداری اسلامی و مشارکت سیاسی دانشجویان  
(مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه ولایت ایرانشهر)

محمدیار محمدی،<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

محمد مسیح هاشمی نیا

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

#### چکیده

هدف: این پژوهش با هدف تعیین رابطه دینداری اسلامی و مشارکت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری (۱۴۰۰) جمهوری اسلامی ایران در بین دانشجویان دانشگاه ولایت ایرانشهر انجام گردیده است.

روش شناسی: پژوهش به روش پیمایشی تحلیلی انجام شده و جامعه آماری آن شامل کلیه دانشجویان دانشگاه ولایت ایرانشهر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به تعداد ۳۰۰۰ نفر است که طبق جدول مورگان تعداد ۳۴۱ نفر از دانشجویان به عنوان نمونه انتخاب شدند که به پرسشنامه ها پاسخ داده اند. پرسشنامه های مورد استفاده در پژوهش، پرسشنامه دینداری محقق ساخته و پرسشنامه مشارکت سیاسی محقق ساخته است.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که دینداری اسلامی با مشارکت سیاسی دارای رابطه مستقیم، مثبت و قوی است؛ به عبارت دیگر هر چه قدر دینداری فرد بالاتر باشد مشارکت سیاسی او نیز افزایش می یابد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش مبنی بر رابطه معنی دار دینداری و مشارکت سیاسی، استفاده از این پتانسیل قوی یعنی دین برای افزایش مشارکت سیاسی، عاملی است که باید مورد توجه دانشگاه ها قرار گیرد.

کلیدواژه ها: دینداری اسلامی؛ مشارکت سیاسی؛ دانشجویان دانشگاه ولایت؛ ایرانشهر

۱- دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، عضو هیات علمی دانشگاه ملی جیرفت (نویسنده مسئول)

عضو غیر هیات علمی دانشگاه ولایت ایرانشهر ۲

دین به عنوان پدیده ای گسترده و اثرگذار، نظام اعتقادی سازمانیافته ای است که همراه با مجموعه ای از آیین ها و اعمال، تعیین کننده ی شیوه ی پاسخ دهی افراد به تجارب زندگی است (زولینگ و همکاران، ۲۰۰۶) دین که اساساً با نمادهای غیرعینی سر و کار دارد، احساسات، ارزشها و امیدهای مؤمنان را بیان می کند یا جریانهای کنش متقابل میان انسانها و اعیان خارجی را سازمان می دهد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۶). دینداری، نظامی عملی مبتنی بر اعتقادات است که در قلمرو ابعاد فردی و اجتماعی از جانب پروردگار برای هدایت انسانها در مسیر رشد و کمال الهی فرستاده شده و شامل عقاید، باورها، نگرشها و رفتارهایی است که با هم پیوند دارند و یک احساس جامعیت را برای فرد تدارک می بینند (آرین، ۱۳۷۸: ۵۶) به گونه ای که شخص دیندار خود را ملزم به پیروی و رعایت از این مجموعه می داند (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۱). بر اساس این تعریف، دیندار «کسی است که با آگاهی به اصول و شعائر یک مذهب، در نظر و عمل، پیروی آن دین را اتخاذ می کند و این پیروی بر زندگی دینی و غیردینی او تأثیر می گذارد» (انوری، ۱۳۷۳: ۳۴)

بیشتر ادیان جهان با آنکه تفاوت هایی با یکدیگر دارند، پیروان خود را برای فعالیت های مثبت فرا می خوانند. از این رو، دین یکی از عوامل اثرگذار بر رفتار و شناخت به شمار می رود و مذهب و دینداری به عنوان یک میانجی بر فرایند فکری و ارزیابی رویدادهای روزمره ی زندگی فرد اثر می گذارد. یکی از مسائلی که برخی دانشمندان و صاحب نظران از آن به عنوان یکی از پیامدهای دین و دینداری سخن می گویند، مشارکت مردم در فعالیت های سیاسی است. مشارکت سیاسی، منافی آشکار از جمله منافع اجتماعی برای اعضای جامعه به ارمغان می آورد.

امروزه مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین شاخص توسعه سیاسی ملت ها به امری گریز ناپذیر تبدیل شده است. مشارکت سیاسی یکی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است. و یکی از اساسی ترین صورت های روابط اجتماعی بوده و به عنوان یک موضوع محوری در جامعه شناسی تلقی شده است. دایره المعارف های بین المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست گذاری عمومی تعریف کرده اند (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۹).

بیان مساله و اهمیت و ضرورت این تحقیق برای همه مردم به ویژه قشر جوان یک جامعه مهم است. به نظر می رسد در ایران نیز به دلیل این که تجربه طولانی از دموکراسی وجود ندارد و چند دهه بیش نیست که از نظام دیکتاتوری فاصله گرفته است، هنوز راه های زیادی وجود دارد تا بتوان مشارکت سیاسی را در جامعه ایران نهادینه کرد. طرح مساله مشارکت سیاسی دانشجویان هر چند به کرات مطرح گردیده است اما ساخت ضروری است چون می تواند در دست یافتن به این مهم، کمک شایانی کند. با توجه به نقشی که دانشجویان در آینده کشور از لحاظ اداره امور و قدرت و توانایی در دامن زدن به تحولات اجتماعی دارند روشن است که تبیین رفتار آنان در حال حاضر ما را قادر به پیشبینی بسیاری از موقعیتهای نگرش ها و وقایع آینده خواهد ساخت. دانشجویان یکی از ارکان اصلی توسعه سیاسی هستند چرا که بسیاری از شاخص های توسعه یافتگی را در مقابل گروه های سنتی دارا هستند. در بررسی قلمرو سیاسی در ایران، حرکت سیاسی دانشجویان یک شاخص مناسب است و می توان از طریق آن دیگر تحولات را سنجید (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۰). سیاسی بودن دانشجو در حدی که در برابر سرنوشت خود و جامعه حساس باشد؛ نسبت به مسایل داخلی و خارجی و جریانهای موجود از بینش و تحلیل سیاسی برخوردار باشد؛ از جمله ضرورت های حیات سیاسی دانشجویان و لازمه توسعه سیاسی است. هم چنین تبیین کارکردهای دانشگاه به عنوان یکی از بخش های ساختار

فرهنگی کشور و نقشی که دانشجو در این زمینه بر عهده دارد به خوبی مبین ضرورت مشارکت سیاسی دانشجویان است. بنابراین با توجه به ضرورت مشارکت سیاسی دانشجویان، تحقیق حاضر می‌کوشد رابطه بین دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه ولایت ایرانشهر را مورد بررسی قرار دهد؟

#### چارچوب نظری تحقیق

از دیدگاه میلبرات و گوئل چهار عامل بر مشارکت تأثیر می‌گذارند که عبارتند از: انگیزه‌های سیاسی، موقعیت، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی. به نظر آنها هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه‌های سیاسی به صورت بحث درباره سیاست، تعلق به سازمانی که به شکلی به فعالیت سیاسی می‌پردازد یا دسترسی داشتن به اطلاعات سیاسی مربوط، قرار داشته باشد احتمال مشارکت سیاسی وی بیشتر است. اما مشارکت سیاسی بر طبق ویژگی‌های شخصی فرد نیز تغییر می‌یابد. شخصیت‌های اجتماعی تر، مسلط تر و برونگرا احتمالاً از نظر سیاسی فعال ترند. موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت سنجیده می‌شود، در مشارکت سیاسی تأثیرگذار است. محیط یا زمینه سیاسی نیز مهم است. از این نظر که فرهنگ سیاسی ممکن است مشارکت و شکل یا شکل‌های مشارکت را که مناسب تلقی می‌گردد تشویق کند یا به عکس، مشوق مشارکت نباشد (راش، ۱۳۸۱، ۱۳۵).

رابرت دال یکی دیگر از نظریه پردازانی است که تلاش کرد تا پدیده «گرایش و عدم گرایش افراد به مشارکت سیاسی» را تبیین کند. در این خصوص، وی معتقد است: اگر میزان اثربخشی سیاسی بالا باشد، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد و اگر میزان اثربخشی سیاسی پایین باشد، بی تفاوتی را به ارمان می‌آورد. به نظر وی، وقتی افراد تصور کنند آنچه انجام می‌دهند اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی خواهد گذاشت، بیشتر در امور سیاسی درگیر می‌شوند و بعکس. دال معتقد است که کسی نمی‌تواند تأثیر عقاید و عمل سیاسی خود را بر دیگران انکار نماید. به نظر او، در سیاست (برخلاف علوم طبیعی) بین نظر علمی و عقاید، یعنی معرفت سیاسی و عقیده سیاسی فاصله‌ای نیست. بنابراین، برای دال این نکته آشکار است که عقاید سیاسی همانند نیاز به امنیت و تهدید امنیت، در عمل سیاسی فرد اثر می‌گذارند و ساختار و کارکردها و نظام‌های سیاسی را متأثر می‌سازند.

گزاره‌های اصلی نظریه رابرت دال درباره مشارکت سیاسی عبارت است از:

۱- مردم به دلیل اینکه فکر می‌کنند مشارکت یا عدم مشارکت آنها تأثیری در نتیجه کار دارد، بی-تفاوت نیستند.

۲- مردم با اعتقاد به اینکه نتیجه مشارکت آنها احتمالاً تهدید باشد، بر ایشان قابل قبول نیست و مشارکت می‌کنند.

۳- مردم به دلیل آگاهی از جریان سیاسی، مشارکت خود را اثربخش تلقی می‌کنند (دال، ۱۳۷۴، ۹۵-۹۴).

وی همچنین معتقد است که هرچه فعالیت‌های سیاسی پردر دسترتر، وقت گیرتر و پرخرجتر یا دشوارتر باشد، به همان نسبت افراد کمتر به آنها جلب می‌گردند. بنابراین حضور افراد در فرایند گزینش نخبگان سیاسی از طریق شرکت در انتخابات بیشتر از دیگر سطوح مشارکت سیاسی خواهد بود و عدم حضورشان نیز در این سطح ابتدایی نمایان است (پناهی و عالی زاد، ۱۳۸۴، ۹۹).

رابرت دوز و سیمور مارتین لپیست نیز در تجزیه و تحلیل خود درباره رفتار سیاسی مردم کشورهای آمریکا، کانادا، بریتانیا، و استرالیا بر روی متغیرهایی تأکید می‌ورزند که به اعتقادشان بر مشارکت سیاسی تأثیر مهمی دارند. مهمترین این عوامل

عبارتنداز: باورهای مذهبی، جنسیت، سن، نوع شغل، نژاد، روستایی یا شهری بودن افراد، طبقه اجتماعی و پیوندهای منطقه‌ای.

دینداری به عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزشها و نشانه‌های دینی و گاهی اوقات اخلاقی در آن متجلی باشد، اطلاق می‌شود. دین به مثابه نظام فرهنگی (Geertz, 1973) و پدیده اجتماعی (Durkheim, 1968) در مطالعات انسان‌شناختی جایگاه خاصی دارد. از دیدگاه دورکیم دین بیان ارزشهای اخلاقی یک اجتماع و باورداشتهای دسته جمعی آنان است. نظامی واحد از عقاید و اعمال منتسب به اشیا و امور مقدس - یعنی اشیا و امور متمایز شده و حرمت یافته - که همه مؤمنان را در یک اجتماع معنوی واحد یا یک تشکیلات دینی گرد هم می‌آورد (Durkheim, 1968: 62). از نظر گیرتز دین از طریق ارائه چشم انداز مذهبی برای مؤمنان، به حل مسئله معنا برای دینداران می‌پردازد. از نظر او دین نه تنها کوششی در جهت توجیه جنبه‌های شگفت‌انگیز جهان است، بلکه در زمینه‌ای گسترده‌تر برای یکنواختی زندگی نیز اعتباری فراهم می‌سازد (Geertz, 1973: 90).

دینداری، به بیانی کلی، یعنی داشتن اهمیتی دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (Himmelfarb, 1975: 606-618). به عقیده آلپورت مذهب به عنوان یک سیستم ارزشی باعث وحدت بخشیدن به حیات انسان می‌شود. به عبارت دیگر، بالاترین سیستم ارزشی که به زندگی انسان وحدت و یکپارچگی می‌دهد سیستم ارزشی مذهبی است؛ سیستمی که بر روی تمام وجوه زندگی فرد تأثیر می‌گذارد. آلپورت بر آن است که احساسات دینی نه ماهیتی صرفاً عقلانی دارند و نه کاملاً غیرعقلانی. بلکه بیشتر تلفیقی از احساس و تفکر منطقی است. در واقع دینداری، فلسفه‌ای از زندگی برای فرد ارائه می‌کند که نه تنها ماهیتی عقلانی دارد بلکه به لحاظ احساسی و هیجانی نیز ارضاً کننده است. بنابراین، آلپورت نتیجه می‌گیرد که تمام ادیان بزرگ دنیا نوعی جهانی‌بینی برای روان خود به ارمغان می‌آورند که هم سادگی منطقی دارد و هم زیبایی‌های هارمونیک (Allport, 1950: 18-19) جاسترو معتقد است که دین مرکب از سه چیز است: اعتراف به قدرت یا قدرت‌هایی که در حیطه اختیار ما نیستند، ادراک مقهوریت نسبت به این قدرت یا قدرتها و طلب ارتباط با این قدرت یا قدرت‌هاست. پس دین اعتقادی است نظری به یک یا چند قوه مفارق از ما و مسلط بر ما و نتیجه این اعتقاد، تشکیلات و قوانین معین، اعمال مخصوص و نظارت مخصوص که انسان را با این قوه یا قوا مربوط و متصل می‌سازد، می‌باشد. (کمپانی، ۱۱۳: ۱۳۵۳) از دیدگاه دنلپ دین نهاد یا چهره‌های از فرهنگ است که در جهت خدمت به آدمی نقشها و کارکردهایی را ایجاد می‌کند که از هیچ نهاد دیگری ساخته نیست (کلیم و دیگران، ۲۹: ۱۳۷۹). همچنین فرانکل دین را تکاپوی بشر برای یافتن معنای غایی در زندگی تعریف می‌کند و آن را ناشی از تمایل بشری و منبعث از کشش درونی انسان معرفی می‌نماید و استدلال می‌کند دین، احساسی عمیق و ریشه دار در اعماق ضمیر ناهشیار همه انسانها است (فرانکل، ۱۹: ۱۳۷۵) و سرانجام هروپولز معتقد است که دین وسیله و یا دستگاه برنامه‌ای عقیدتی، اجرایی و نمادین (سمبولیک) است که بدان وسیله آگاهی فردی و اجتماعی از تعلق به یک خط اعتقادی خاص به وجود آمده، تقویت، تکمیل و کنترل می‌شود. وی معتقد است هر اعتقادی دین نیست و اگر سه عنصر با هم جمع و متحد نشوند، چیزی به نام دین به وجود نمی‌آید این سه عنصر عبارتند از بیان یک اعتقاد، خاطرهای از یک تداوم، عطف و ارجاعی مشروعیت ساز به روایتی مجاز از این خاطره. دین متوجه آن شکل خاص از اعتقاد و یا ذهنیاتی است که در طول قرون و اعصار به وجود آمده اند و خود را با ارجاع به یک سنت، مشروع می‌سازند (ویلیم، ۱۷۵-۱۷۴: ۱۳۷۷).

روش‌شناسی

جامعه‌آماری و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان ۱۸ تا ۲۵ سال دانشگاه ولایت ایرانشهر می‌باشد. تعداد نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران با دقت برآورد  $d=0.05$  و حداکثر واریانس  $s^2 = 0.25$   $(s^2 = pq)$  و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۴۱ نفر تعیین شده، که به دلیل زایل شدن پاره‌ای از پرسش‌نامه‌ها هنگام گردآوری داده‌ها و عدم امکان استفاده از آنها، ۳۳۵ پرسش‌نامه مورد

تجربه و تحلیل قرار گرفته است.

فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی

بین دینداری اسلامی و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه ارتباط ولایت ایران شهر معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی

فرضیه ۱: بین ایمان با مشارکت سیاسی در دانشگاه ولایت ایران شهر رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین احساس کمک به جامعه با مشارکت سیاسی در دانشگاه ولایت ایران شهر رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۳: بین فضائل معنوی با مشارکت سیاسی در دانشگاه ولایت ایران شهر رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۴: بین احساس نظارت الهی با مشارکت سیاسی در دانشگاه ولایت ایران شهر رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش پژوهش پیمایشی تحلیلی انجام شده است. شامل کلیه دانشجویان دانشگاه ولایت ایران شهر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به تعداد ۳۰۰۰ نفر است که طبق جدول مورگان تعداد ۳۴۱ نفر از دانشجویان به عنوان نمونه انتخاب شدند که به پرسشنامه ها پاسخ داده اند. پرسشنامه های مورد استفاده در پژوهش، پرسشنامه دینداری و پرسشنامه مشارکت سیاسی محقق ساخته است.

پرسشنامه دینداری اسلامی با طرح مولفه های: ایمان فضای معنوی - فضائل معنوی - احساس نظارت الهی به مطالعه دینداری می پردازد.

روایی صوری و محتوایی پرسشنامه مشارکت سیاسی با مشورت ۵ نفر از استادان رشته علوم سیاسی و رشته علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان تایید شد. همچنین روایی پرسشنامه دینداری اسلامی با نظر خواهی از ۱۵ نفر از طلاب حوزه علمیه قم و اساتید گروه معارف در دانشگاه های جیرفت و دانشگاه های ولایت و دانشگاه سیستان و بلوچستان در حد بالا گزارش شده است. پایایی پرسشنامه مشارکت سیاسی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶۷ و پرسشنامه دینداری اسلامی برابر با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴۴ است.

جدول ۱. آلفای کرونباخ پرسشنامه دینداری اسلامی

سازه	تعداد گویه ها	آلفای کرونباخ
ایمان	۶	-
احساس کمک به جامعه	۵	-

فضائل معنوی	۷	-
احساس نظارت الهی	۶	-
کل پرسشنامه	۲۴	۰/۹۴۴

جدول ۲. آلفای کرونباخ پرسشنامه مشارکت سیاسی

سازه	تعداد گویه ها	آلفای کرونباخ
اعتماد جانبی	۱۵	۰/۹۴۱
اعتماد عمودی	۱۵	۰/۹۳۹
اعتماد نهادی	۱۹	۰/۹۲
کل پرسشنامه	۴۹	۰/۹۶۷

در تجزیه و تحلیل استنباطی برای بررسی رابطه مشارکت سیاسی و دینداری اسلامی از آزمون t مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است.

به منظور تأیید یا رد فرضیات از ضرایب استاندارد و اعداد معناداری استفاده می شود.

مقدار آماره آزمون در نرم افزار برای بررسی درستی یا نادرستی فرضیه مورد استفاده قرار می گیرد. در صورتی که مقدار آن بزرگتر از  $1/96$  یا کوچکتر از  $1/96$  - باشد فرضیه صفر رد می شود. هر چقدر از  $1/96$  بزرگتر باشد نشان دهنده آن است که متغیر مستقل رابطه قویتری با متغیر وابسته دارد. منظور از ضریب استاندارد مقادیر همبستگی دوتایی بین دو متغیر است هر چه این ضریب بیشتر باشد به معنای اثرگذاری بیشتر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. اگر این مقدار کمتر از  $0/3$  باشد متوسط اگر بین  $0/3$  تا  $0/6$  باشد خوب و اگر بالای  $0/6$  باشد عالی است.

فرضیه ۱: بین ایمان با مشارکت سیاسی در دانشگاه ولایت ایرانشهر رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد.

باتوجه به آنکه مقدار آماره آزمون بین دینداری با مشارکت سیاسی که برابر با  $28/11$  است چون این مقدار بزرگتر از  $1/96$  است بنابراین فرضیه تحقیق تایید می شود بنابراین رابطه معنی دار مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد و با توجه به ضریب همبستگی که برابر  $0/77$  است این مقدار بیشتر از  $0/60$  است بنابراین مشخص است که ایمان تاثیر زیادی بر مشارکت سیاسی دارد.

فرضیه ۲: بین احساس کمک به جامعه با مشارکت سیاسی در دانشگاه ولایت ایرانشهر رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد. باتوجه به آنکه مقدار آماره آزمون بین احساس کمک به جامعه با مشارکت سیاسی که برابر با  $40.4$  است چون این مقدار بزرگتر از  $1/96$  است بنابراین فرضیه تحقیق تایید می شود بنابراین رابطه معنی دار مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد و با توجه به ضریب همبستگی که برابر  $0/43$  است این مقدار بین  $0/30$  تا  $0/60$  است بنابراین مشخص است که احساس کمک به جامعه تاثیر خوبی بر مشارکت سیاسی دارد.

فرضیه ۳: بین فضائل معنوی با مشارکت سیاسی در دانشگاه ولایت ایرانشهر رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد. باتوجه به آنکه مقدار آماره آزمون بین فضائل معنوی با مشارکت سیاسی که برابر با  $15/6$  است چون این مقدار بزرگتر از  $1/96$  است بنابراین فرضیه تحقیق تایید می شود و رابطه معنی دار مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد و با توجه به ضریب همبستگی که برابر  $0/33$  است این مقدار بین  $0/3$  تا  $0/6$  است بنابراین مشخص است که فضائل معنوی تاثیر خوبی بر مشارکت سیاسی دارد.

فرضیه ۴: بین احساس نظارت الهی با مشارکت سیاسی در دانشگاه ولایت ایرانشهر رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد. باتوجه به آنکه مقدار آماره آزمون بین احساس نظارت الهی با مشارکت سیاسی که برابر با  $36/6$  است چون این مقدار بزرگتر از  $1/96$  است بنابراین فرضیه تحقیق تایید می شود بنابراین رابطه معنی دار مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد و با توجه به



ضریب همبستگی که برابر ۰/۳۱ است این مقدار بین ۰/۳ تا ۰/۶ است بنابراین مشخص است که احساس نظارت الهی تأثیر خوبی بر مشارکت سیاسی دارد.

فرضیه ۴: بین دینداری با مشارکت سیاسی در دانشگاه ولایت ایرانشهر رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد.

باتوجه به آنکه مقدار آماره آزمون بین دینداری با مشارکت سیاسی که برابر با ۸/۳۸ است چون این مقدار بزرگتر از ۱/۹۶ است بنابراین فرضیه تحقیق تایید می شود بنابراین رابطه معنی دار مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد و با توجه به ضریب همبستگی که برابر ۰/۵۴ است این مقدار بین ۰/۳ تا ۰/۶ است بنابراین مشخص است که دینداری تأثیر خوبی بر مشارکت سیاسی دارد.

#### نتیجه گیری

هدف از مقاله حاضر تبیین نظری و تجربی تأثیر دینداری بر مشارکت سیاسی بود. یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و بالا بردن ضریب امنیت ملی، مشارکت مردمی در صحنه های گوناگون ملی است. مشارکت سیاسی مردم در واقع تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است، زیرا مشارکت مردمی می تواند به مثابه مؤثرترین و مناسبترین پشتوانه برای حل و فصل معضل ها و بحرانهای سیاسی اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد و هر دولتی که بتواند جلوه های بیشتری از همکاری و همدلی توده های مردمی را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به ویژه در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی جلب کند، می تواند در جامعه بین المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت بالاتری برخوردار شود. از آنجا که مشارکت سیاسی پدیده پیچیده ای است و یک نظریه و الگو نمی تواند تبیین جامع داشته باشد، بنابراین نیازمند اتخاذ یک دیدگاه ترکیبی برای تبیین موضوع پژوهش حاضر هستیم. لذا با توجه به ادبیات تجربی و ادبیات نظری موجود در حوزه علوم اجتماعی، پژوهش پیشرو تأثیر دینداری را بر مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار داد و محقق به این نتیجه رسید که در ترغیب و انگیزش مردم به مشارکت سیاسی، دینداری تأثیر قابل تأملی دارد.

نتایج نشان داد که میان میزان پایبندی به اصول مذهبی با مشارکت سیاسی در نمونه مورد بررسی ارتباط معنی داری وجود دارد. این نتیجه، با یافته های آلپورت (۱۹۵۰)، وربا و همکارانش (۱۹۹۵)، شوب (۱۹۷۷)، گرین برگ (۲۰۰۰). دوریز و همکارانش (۲۰۰۲)، اونیل (۲۰۰۴)، ال.اپلی (۲۰۰۵)، هافمن و دود (۲۰۰۸)، امام جمعه زاده و همکارانش (۱۳۸۹) همسو است. نتایج تحقیقات مذکور نشان داده است که افراد دارای جهت گیری مذهبی از نظر مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی در حد بالایی قرار دارند و دین و مذهب تأثیر قابل ملاحظه ای در کنش سیاسی این افراد دارد و آن هایی که دارای عقاید و عالقه مذهبی بودند گرایش خاصی نسبت به عضویت در برخی از گروههای سیاسی و انجام مشارکت در امور سیاسی داشتند. به لحاظ نظری و با توجه به نظریه آلپورت می توان گفت دین عملاً به عنوان یک سیستم ارزشی به حرکت های انسان جهت داده، هدفمند نموده و به سوی اعتلای روانی، انسانی و تکامل رهنمون می سازد. به عقیده آلپورت، مذهب به عنوان یک سیستم ارزشی باعث وحدت بخشیدن به حیات انسان می شود و به عنوان یک منبع یا عامل همبستگی اجتماعی عمل کرده و انسان دینی مسئول خود و محیط اجتماعی است و در برابر ارزشها و ضدازشها موظف انگاشته شده است. در حقیقت سیاست در دیدگاه دینی به معنای حضور و مکلف بودن در برابر رخدادهای می باشد.

در تمام مولفه های دینداری، ایمان پیش‌بینی کننده مهم تری است و ارتباط بیشتری با مؤلفه‌های مشارکت سیاسی دارد، به نظر می‌رسد که این افراد مستعد ایجاد نگرش‌های اجتماعی مسئولانه تر برای مشارکت سیاسی هستند. در واقع می‌توان گفت که مولفه ایمان به عنوان پلی بین آگاهی و مشارکت عمل می‌کند. با توجه به شرایط دینی نظام سیاسی موجود در کشور ایران، کسانی که به میزان بیشتری به ابعاد عبادی دین اهمیت قائل میشوند برای پا برجایی نظام سیاسی که دینی است، بیشتر در انتخابات و فعالیتهای سیاسی دیگر شرکت می‌کنند و نتایج تحقیق نیز این استدلال را تأیید می‌کند.

با توجه به این که جامعه ایران یک جامعه دینی است و افراد از همان سال‌های نخستین بطور رسمی و غیر رسمی با آموزش های مذهبی روبرو می‌شوند با اصول اعتقادات مذهبی آشنا هستند. از طرف دیگر اسلام نه تنها فرد را در مقابل خداوند مسئول و متعهد می‌داند بلکه او را در مقابل جامعه نیز مسئول می‌داند. افرادی که بیشتر پایبند به امور دینی باشند خود را موظف خواهند دانست که در فعالیتهای سیاسی مشارکت داشته باشند. از نگاه دینی، فرد در مقابل خودش، خدایش، جامعه‌اش و... موظف است که نسبت به سرنوشت خود حساس باشد، در صحنه باشد، فعال باشد و از انحرافات حکومتی جلوگیری کنند. بنابراین فرضیه های تحقیق مبنی بر اینکه با افزایش میزان دینداری، افزایش میزان مشارکت سیاسی را به دنبال دارد مورد تأیید قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد استنباط به دست آمده نه تنها به دلیل حاکمیت یک حکومت دینی است، بلکه قویاً ناشی از محتوای مشارکتی دین و به ویژه دین اسلام در امور سیاسی و اجتماعی جامعه است، به طوریکه بی-تفاوتی نسبت به جامعه و حاکمیت از نظر شعائر دینی کاملاً مذموم و مطرود می‌باشد. به تبعیت از حاکمیت اسلامی و شعائر دینی، میزان دینداری در نمونه مورد بررسی در حد بالا و مطلوبی قرار دارد.

لذا تداوم همکاری و مشارکت، برای او حکم یک ضرورت یا حتی یک وظیفه و تکلیف انسانی می‌شود. در واقع مشارکت از دیدگاه وی، فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیریهای دولت است. به عقیده ابن خلدون نیز؛ دین در بین نیروها وحدت می‌آفریند، رقابتها و حسادتها را از بین میبرد و به افراد، روحیه ایثار می‌بخشد. این روحیه به افزایش مشارکت و ایجاد دولتهای وسیع می‌انجامد. چنانچه باورهای مذهبی به دلیل تجمل پرستی و غیره به رکود می‌گراید و وحدت اجتماعی متزلزل می‌شود.

با توجه به اینکه جامعه ایران یک جامعه دینی است و افراد از همان سالهای نخستین به طور رسمی و غیررسمی با آموزشهای مذهبی روبرو می‌شوند بنابراین با اصول اعتقادات مذهبی آشنا هستند. از طرف دیگر اسلام نه تنها فرد را در مقابل خداوند مسؤول و متعهد می‌داند بلکه او را در مقابل جامعه نیز مسؤول می‌داند. افرادی که بیشتر پایبند به امور دینی می‌باشند خود را موظف خواهند دانست که در فعالیتهای سیاسی مشارکت داشته باشند. از نگاه دینی، فرد در مقابل خودش، خدایش، جامعه اش و غیره موظف است که نسبت به سرنوشت خود حساس باشد، در صحنه فعال باشد و از انحرافات دولتی جلوگیری کند.

بنابر آنچه در این تحقیق ذکر شد، پیشنهاد می‌گردد؛ به شهروندان القا شود که مشارکت آنان در اداره امور جامعه سمبلیک و نمادین نیست و تأثیرگذار است و باید به تدریج از حجم دخالت دولت در اداره امور کم گردد و این امور به شهروندان واگذار گردد تا جایی که نهادهای مردمی شکل گیرنده بدون اینکه وابسته به حکومت یا جریان خاص سیاسی باشند به فعالیت ادامه دهند. با عنایت به گستردگی و قوی بودن زمینه های مذهبی در جامعه، بهره گیری از آموزه های دینی و محرک های قدسی می‌تواند مشوق مناسبی در برنامه ها و فعالیت های مختلف جامعه باشند و زمینه های مشارکت سیاسی مردم را بیشتر فراهم سازند. البته ناگفته پیداست که دینداری صرفاً یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی است و تغییر آن در جامعه هم به صورت یکباره و در یک محدوده زمانی کوتاه اتفاق نمی‌افتد، با این وجود دینداری پیش‌بینی کننده مهمی برای رفتارهای انتخاباتی و مشارکت

سیاسی است. زیرا بر اساس آموزه‌های دینی بر مسلمین الزام است در تشکیل جامعه اسلامی و تثبیت و استقرار آن همت ورزند و یکی از شئون اجتماعی شدن دخالت در امور سیاسی که سبب استقلال و به دست آوردن عزت و سیادت اجتماعی است. از این نکات سمت و سوی مشارکت سیاسی و جهت اصلی آن در جامعه اسلامی روشن میشود.

منابع

منابع فارسی

آرین، خدیجه ۱۳۷۸، « بررسی رابطه بین دینداری و رواندستی ایرانیان مقیم کانادا»، رساله ی دکتری، دانشکده ی روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

انوری، حمیدرضا ۱۳۷۳، پژوهشی راجع به تقدیرگرایی، پایاننامه ی کارشناسی ارشد، دانشکده ی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

پناهی، محمد حسین و عالی زاد، اسماعیل، ۱۳۸۴، تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸ و ۲۹، صص ۱۳۱-۸۹

حشمت یغمایی، محمدتقی ۱۳۸۰، دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن، پایاننامه ی کارشناسی ارشد، دانشکده ی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

دال، رابرت، ۱۳۷۴، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسن ظفریان، نشر مترجم، تهران.

راش، مایکل، ۱۳۸۱، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات سمت، تهران.

فرانکل، ویکتور ۱۳۷۵، خدا در ناخودآگاه. مترجم ابراهیم یزدی، تهران: نشر رسا.

محمدی، مجید ۱۳۷۸، درآمدی بر رفتارشناسی دانشجویان در ایران امروز. تهران: انتشارات کویر.

ویلم، ژان پل ۱۳۷۷، جامعه شناسی ادیان. مترجم عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر تبیان.

همیلتون، ملکم ۱۳۷۷، جامعه شناسی دین، ترجمه ی محسن ثالثی، تهران: ثالث.

منابع لاتین

Abdullahi, H. and Abdullahi, Y. Z. (2001), "Gender bias and citizenship rights to political participation in Nigeria: challenges for democratic consolidation and economic development", *Gender and Behaviour*. 9, pp. 4189 -4206

Allport, G. W. (1950), *The Individual and His Religion*. New York: Mac-millan.

Boix, C. and Stokes, S. (2009), *The Oxford Handbook of Comparative Politics*. Oxford University Press.

Burkely, S. (1996), *People First: A Guide to Self-Reliant Participatory Rural Development*. London: Zedbooks.

Dietram A. Scheufele, Matthew, C. Nisbet and Dominique Brossard. (2003), "Pathways to Political Participation? Religion, Communication Contexts, and Mass Media", *International Journal of Public Opinion Research*. 15, pp. 300-324.

Durie, M. E. Fitzgerald, T. Kingi, S. McKinley and B. Stevenson (2002), *Maori Specific Outcomes and Indicators: A Report Prepared for Te Puni Kokiri*. Wellington: Te Puni Kokiri.

Durkheim, E. (1968), *The Elementary Forms of the Religious Life*. New York: The Free Press.

Geertz, C. (1973), *Interpretation of Culture*. Selected Essays, New York, Basic Books.  
Greenberg, A. (2000), "The church and the revitalization of politics and community", *Political Science Quarterly*. 115, pp. 377-394.

Guy, B. P. (1999), *Institutional Theory in Political Science; The New Institutionalism*. London: Cressell.

Himmelfarb, H. S. (1975), "Measuring Religious Involvement", *Social Forces*. Vol. 53, pp. ۶۰۶-۶۱۸.

Hoffman, A. and Dowd, R. (2008), *Religion Gender and Political Participation in Africa Lessons from Nigeria Senegal and Uganda De: Lessons from Nigeria, Senegal and Uganda*. University of Notre Dame: Department of Political Science.

Huntington, S. and Nelson, J (1976), *No Easy Choice: Political Participation in Developing Countries*. Cambridge: Harvard University Press.

Inglehart, R. (1981), "Post-materialism in an environment of insecurity", *American Political Science Review*. 75, pp. 880-900.

Jones-Correa, M. and Leal, D. (2001), "Political Participation: Does Religion Matter? ", *Political Research Quarterly*. 54, pp. 751-770.

Leighley, J. E. (1996), "Group membership and the mobilization of political participation", *Journal of Politics*. 58, 447-463.

McClosky, H. (1968), *Political Participation*. David L, Sills (ED), International encyclopedia of the Social Sciences, New York: McMillan Company